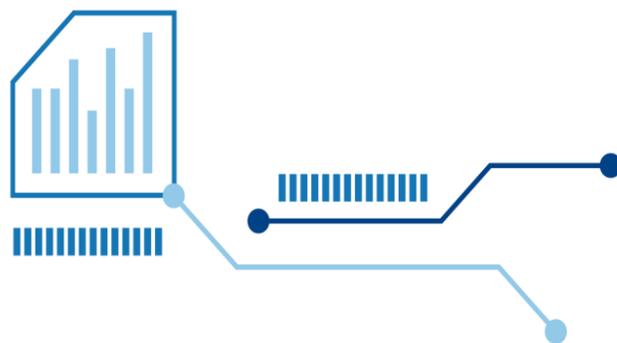


تهران
پایتخت
تجارت
ایران



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



گزارش‌های منتخب دی و بهمن ۱۴۰۴

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی با هدف اطلاع‌رسانی و ارتقاء سطح آگاهی‌های فعالان بخش خصوصی و با به‌کارگیری ظرفیت‌های نخبگان، دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی در راستای دستیابی به اهداف بلندمدت اتاق بازرگانی تهران در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از جمله مسائل اقتصاد کلان، محیط‌کسب و کارها و تجارت بین‌الملل به‌طور مستمر اقدام به انتشار گزارش‌ها و پژوهش‌های اقتصادی با استفاده از داده‌ها و اطلاعات منابع معتبر رسمی داخلی و بین‌المللی می‌کند.

اتاق بازرگانی تهران به‌منظور بهبود کمی و کیفی گزارشات خود از نظرات، انتقادات و پیشنهادات مخاطبین استقبال می‌نماید.

۱. ظرفیت ها و موانع تجاری ایران و هند؛ ترسیم چشم انداز آینده ۴
۲. ناترازی انرژی و پیلدهای ساختاری آن بر تولید صنعتی؛ تحلیل سیاسی و گزینه های علمی پیش روی نگاه ها و دولت ۵
۳. نقش اکوسیستم های پلتفرمی در پایداری، تاب آوری و تداوم زنجیره های تأمین کلیدی و حیاتی ایران ۶
۴. بررسی مدل های سنجش محیط کسب و کار و طراحی فرایند و چارچوب مدل سنجش محیط کسب و کار استان تهران ۷
۵. رفتار نگاه و رفاه خانوار در دوره فشار معیشتی و پیلدهای آن برای رقابت پذیری بخش خصوصی ۸
۶. امنیت اقتصادی در جهانی در حال تغییر ۹
۷. راهبردهای مقابله با تحریم با تمرکز بر مدیریت ریسک بخش خصوصی ۱۰
۸. بررسی بازار ارز و پیشنهاد های اصلاحی ۱۱
۹. نقش توسعه انرژی های تجدید پذیر در تقویت امنیت غذایی کشورها ۱۲
۱۰. تحلیل رفتار مشتری در بازار صنایع غذایی ایران و فرصت های بهبود کسب و کار ۱۳

۱. ظرفیت ها و موانع تجاری ایران و هند؛ ترسیم چشم انداز آینده



شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی راهبردی در هند و همچنین احصاء موانع توسعه روابط اقتصادی و تجاری ایران با این کشور، یک رویکرد کلیدی برای شناخت محدودیت‌ها و توسعه ظرفیت‌های اقتصادی و تجاری ایران و هند است. در این راستا، گزارش حاضر ابتدا به بررسی متغیرهای کلان اقتصادی هند، جمعیت، فرهنگ و ساختار سیاسی و حکومتی این کشور می‌پردازد و سپس روند تجارت هند با جهان، شرکای عمده تجاری، گروه‌های کالایی صادراتی و وارداتی و وضعیت روابط دوجانبه ایران و هند و پتانسیل‌های صادراتی ایران مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، ظرفیت‌ها و فرصت‌های همکاری اقتصادی و تجاری میان دو کشور شناسایی می‌شود تا زمینه توسعه مشارکت‌ها و سرمایه‌گذاری مشترک فراهم آید. همچنین، موانع و چالش‌های داخلی و خارجی، از جمله محدودیت‌های نهادی، مسائل ژئوپلیتیکی و تحریم‌ها که بر توسعه روابط اقتصادی ایران و هند تأثیرگذار هستند، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت، گزارش با ارائه توصیه‌های راهبردی و سیاستی، راهکارهایی را برای تداوم و تعمیق روابط اقتصادی با هند و مدیریت مؤثر تعاملات بین‌المللی ارائه می‌کند.

۲. ناترازی انرژی و پایداری ساختاری آن بر تولید صنعتی؛ تحلیل سیاستی و گزینه‌های عملی پیش روی

نگاه‌ها و دولت



ناترازی انرژی و بطور خاص کمبود برق و گاز در سال‌های اخیر از یک مشکل مقطعی و فنی به یک ریسک سیستماتیک و مسئله ساختاری برای بخش صنعت کشور تبدیل شده است. ناپایداری تأمین انرژی، به‌ویژه در دوره‌های اوج مصرف، موجب اختلال مکرر در فرآیند تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی، کاهش بهره‌برداری از ظرفیت نصب‌شده و تضعیف ثبات فعالیت بنگاه‌های صنعتی شده است. این شرایط، به‌خصوص برای صنایع انرژی‌بر و پیوسته، پیامدهایی فراتر از زیان‌های کوتاه‌مدت داشته و در عمل تداوم تولید، سودآوری و تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری را با عدم قطعیت جدی مواجه کرده است.

این گزارش با هدف تبیین ابعاد اقتصادی و نهادی ناترازی انرژی، نشان می‌دهد که ناپایداری برق و گاز صرفاً یک شوک بیرونی نیست، بلکه از طریق زنجیره‌ای از عوامل نهادی، سیاست‌گذاری و محدودیت‌های زیرساختی به سطح بنگاه منتقل می‌شود و به‌صورت یک ریسک سیستماتیک، کل بخش صنعت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این چارچوب، حتی بنگاه‌های کارآمد نیز قادر به مصون‌سازی کامل خود در برابر این ریسک نیستند و ناچار به تخصیص منابع به فعالیت‌های غیرمولد مانند تأمین انرژی جایگزین یا مدیریت بحران می‌شوند.

گزارش با استفاده از یک مدل تحلیل علی لایه‌ای نشان می‌دهد که ریشه‌های اصلی این ریسک در لایه‌های نهادی و سیاستی قرار دارد؛ از جمله نبود قواعد شفاف و پیش‌بینی‌پذیر برای تخصیص انرژی، اولویت‌بندی غیرهدفمند مصرف، تأخیر در سرمایه‌گذاری زیرساختی و ضعف گفت‌وگوی ساختاریافته با بخش خصوصی. بر این اساس، گزارش تأکید می‌کند که مدیریت ناترازی انرژی نیازمند مداخله سیاستی هدفمند و هم‌زمان تقویت تاب‌آوری بنگاه‌هاست. ارائه راهکارهای سیاستی در سطح دولت و راهبردهای عملی در سطح بنگاه‌ها، محور اصلی پیشنهادهاست. این گزارش برای کاهش شدت ریسک سیستماتیک انرژی و حفظ پایداری تولید صنعتی است.

۳. نقش اکوسیستم‌های پلتفرمی در پایداری، تاب‌آوری و تداوم زنجیره‌های تأمین کلیدی و حیاتی ایران



در سالیان اخیر، «اکوسیستم‌های پلتفرمی» به عنوان یک مدل کسب‌وکار نوین، توانسته‌اند تحولی شگرف در صنایع مختلف ایجاد کنند. این پلتفرم‌ها، با اتصال تعداد زیادی از عرضه‌کنندگان و مصرف‌کنندگان و تسهیل تعاملات بین آن‌ها، نه تنها به افزایش کارایی و کاهش هزینه‌ها کمک می‌کنند، بلکه پتانسیل بالایی در افزایش تاب‌آوری و پایداری سیستم‌ها در برابر شوک‌ها دارند. این مدل، با تکیه بر توزیع‌شدگی، ماژولار بودن، اثرات شبکه و حاکمیت داده‌محور، می‌تواند راهکاری مؤثر برای غلبه بر چالش‌های زنجیره‌های تأمین سنتی باشد. هدف اصلی این گزارش، بررسی چگونگی بهره‌گیری از مدل اکوسیستم پلتفرمی برای افزایش تاب‌آوری، پایداری و تداوم کسب‌وکار در زنجیره‌های تأمین ایران، به ویژه در حوزه کالاهای کلیدی و استراتژیک است.

۴. بررسی مدل های سنجش محیط کسب و کار و طراحی فرایند و چارچوب مدل سنجش محیط کسب و کار استان تهران



سؤال اصلی این مطالعه آن است که چگونه می توان محیط کسب و کار استان تهران را مورد سنجش قرار داد به نحوی که از یافته های آن بتوان برای بهبود محیط کسب و کار استفاده نمود؟ در شرایطی که ساختار رسمی قوانین به ندرت دچار تحول بنیادین می شود، اما تصمیم ها و سیاست های اجرایی وزارتخانه ها که اثر مستقیمی بر فعالیت بنگاه ها دارند با نرخ زیادی تغییر می کنند، چگونه می توان مدلی ارائه نمود که به تحلیل شرایط و شناسایی راهکارهای موثر کمک کند؟

برای پاسخ به این سوال؛ یک تحلیل تطبیقی روی دو نمونه بین المللی در مقایسه با نمونه داخلی اصلی صورت گرفته سپس بر اساس آن پیشنهاداتی برای طراحی مدل ارزیابی محیط کسب و کار تهران ارائه شده است.

۵. رفتار بنگاه و رفاه خانوار در دوره فشار معیشتی و پیامدهای آن برای رقابت پذیری بخش خصوصی



شواهد سال ۱۴۰۴ نشان می‌دهد تعدیل بازار کار عمدتاً از مسیر کاهش کیفیت اشتغال رخ داده است؛ به این معنا که حدود ۳۵ درصد شاغلان کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار می‌کنند و گسترش اشتغال ناقص، موقت و غیررسمی، به انتقال ریسک اقتصادی از بنگاه و دولت به فرد و خانوار انجامیده است. در نتیجه، بخش قابل توجهی از نیروی کار شاغل در وضعیت نااطمینانی مزمن قرار گرفته و اشتغال دیگر تضمین‌کننده امنیت اقتصادی تلقی نمی‌شود. هم‌زمان و در ادامه روند سال‌های اخیر، تشدید فشارهای معیشتی در سال جاری این روند را تعمیق کرده است؛ به نحوی که افزایش شاخص هزینه خوراک از ۱۶.۷ در سال ۱۳۹۲ به ۳۰.۳ در سال ۱۴۰۳ و شاخص مسکن از ۲۹ به ۲۶۰.۷ نشان می‌دهد تورم به هسته بقا و بازتولید اجتماعی خانوار نفوذ کرده است. توزیع دهکی تورم در ده‌ماه نخست سال ۱۴۰۴ نیز حاکی از آن است که نرخ تورم سالانه در همه دهک‌ها از مرز ۵۰ درصد عبور کرده و تجربه تورم بالا به یک واقعیت عمومی تبدیل شده است. در این میان، دهک‌های پایین با انجماد مصرف و فقر تثبیت‌شده و دهک‌های میانی با فرسایش تدریجی سبک زندگی و احساس سقوط اجتماعی مواجه شده‌اند. برآیند این تحولات، شکل‌گیری و تثبیت حلقه بازخورد منفی اقتصادی-اجتماعی است: فریز استخدام و عقب‌ماندگی دستمزد واقعی، فشار رفاهی خانوارهای شاغل را تشدید می‌کند. فشار رفاهی، انگیزه، بهره‌وری و اعتماد اجتماعی نیروی کار را کاهش می‌دهد؛ تضعیف سرمایه انسانی و اجتماعی، رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و پایداری بازار را محدود کرده و این امر خود به تعمیق رکود و نااطمینانی در بازار کار منجر می‌شود. تداوم این روند می‌تواند اقتصاد ایران را در مسیر هم‌زمان رکود تولید، فرسایش طبقه متوسط شاغل و افزایش نارضایتی اجتماعی خاموش تثبیت کند. به این ترتیب، سال ۱۴۰۴ را باید نه صرفاً ادامه روندهای پیشین، بلکه نقطه تشدید و قفل شدن پیوند میان رکود استخدام، فشار معیشتی و تضعیف سرمایه انسانی دانست. در چنین شرایطی، مجموعه‌ای از مداخلات سیاستی هماهنگ ضرورت دارد که محور آن‌ها بازتعریف نقش اشتغال در ثبات اجتماعی، کاهش نااطمینانی بنگاه‌ها در بازار کار، ترمیم شکاف میان دستمزد واقعی و هزینه زندگی و تقویت سرمایه انسانی به‌عنوان پیش‌شرط رقابت‌پذیری پایدار بخش خصوصی است.

۶. امنیت اقتصادی در جهانی در حال تغییر



بحث در مورد جنبه‌های مختلف امنیت اقتصادی، مانند تاب‌آوری زنجیره تأمین، امنیت انرژی و امنیت سایبری، در سال‌های اخیر شدت گرفته است. این مباحث معمولاً در مجامع مجزا برگزار می‌شوند، اما از نزدیک در هم تنیده شده‌اند. برای روشن کردن این ارتباطات و تقویت هم‌افزایی بین جوامع مختلف متخصص، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در فوریه ۲۰۲۴، به عنوان بخشی از برنامه کاری رویکردهای جدید به چالش‌های اقتصادی (NAEC)، کارگاهی با عنوان «جنبه‌های اقتصادی امنیت ملی» برگزار کرد. هدف این گزارش، گسترش بحث و ارائه بینش‌های بیشتر در مورد موضوعات اصلی مطرح شده در طول کارگاه است. این گزارش بر اساس تخصص دبیرخانه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و آژانس بین‌المللی انرژی تهیه شده است. این گزارش جنبه‌های خاصی از امنیت اقتصادی را در زمینه تنش‌های ژئوپلیتیکی تشدید شده، ارتباطات زیاد ناشی از جهانی شدن و گذارهای سبز و دیجیتال مورد بحث قرار می‌دهد. این گزارش با تمرکز بر این مسائل نوظهور، به دنبال ارائه بینش‌هایی است که سیاست‌گذاری آگاهانه و واکنش‌های استراتژیک را برای تضمین ثبات و تاب‌آوری اقتصادی در جهانی که دائماً در حال تغییر است، تسهیل می‌کند.

۷. راهبردهای مقابله با تحریم با تمرکز بر مدیریت ریسک بخش خصوصی



تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران که با بازگشت مکانیسم اسنپ‌بک ذیل قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ و تشدید تحریم‌های ثانویه ایالات متحده و اتحادیه اروپا تشدید شده، نه تنها تجارت خارجی و درآمدهای ارزی دولت را تحت تأثیر قرار داده، بلکه به یک شوک ساختاری برای کل اکوسیستم کسب و کار بخش خصوصی تبدیل شده است. این تحریم‌ها که ماهیت هوشمند، هدفمند و فراسرزمینی دارند، ریسک‌های چندلایه‌ای را از طریق کانال‌های مالی (مانند قطع روابط کارگزاری بانکی)، لجستیکی (مانند افزایش هزینه حمل و نقل و بیمه)، حقوقی (مانند درج در فهرست‌های تحریمی) و عملیاتی (مانند اختلال در زنجیره تأمین نهاده‌ها) به بنگاه‌های اقتصادی منتقل می‌کنند. تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد که بخش خصوصی، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) فاقد پشتوانه حاکمیتی، با کاهش تاب‌آوری، خروج از بازارهای بین‌المللی و حتی توقف فعالیت مواجه شده‌اند. این گزارش، تحریم‌ها را از منظر مدیریت ریسک بازتعریف می‌کند و بر این اساس، چارچوبی تحلیلی و سیاستی برای مقابله با آن‌ها ارائه می‌دهد. در این گزارش سه کانال اصلی مدیریت ریسک تحریم بر بنگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفته است: (۱) کاهش ریسک قطع روابط کارگزاری بانکی از طریق توافقات ارزی دوجانبه، صندوق تضمین و کنترل انطباق متمرکز؛ (۲) حفظ زنجیره تأمین کالاهای حیاتی با فهرست‌بندی اقلام اولویت‌دار، تسریع گمرکی و بومی‌سازی فناوری و (۳) حمایت هدفمند از SMEs با خطوط اعتباری ویژه، برنامه‌های آموزشی و کنسرسیوم‌های خرید. نقش اتاق بازرگانی به‌عنوان نهاد میانجی‌گر در تسهیل گفتگوها، ارائه مشاوره انطباق و شبکه‌سازی منطقه‌ای برجسته شده است. در نهایت، الگوی مدیریت ریسک پیشنهادی بر چهار مرحله ارزیابی ریسک، کنترل‌های داخلی، آموزش و پایش مستمر استوار است که در سطح بنگاه بر تنوع بازارها، تنظیم نیروی کار و مدیریت هزینه تمرکز دارد. یافته‌های کلیدی گزارش تأکید می‌کنند که رویکردهای واکنشی هزینه‌های مبادله را افزایش می‌دهند، در حالی که مدیریت ریسک نظام‌مند می‌تواند شوک‌ها را جذب کند و تاب‌آوری را تقویت نماید. پیشنهادات عملی، مدیران بنگاه‌ها را به سرمایه‌گذاری در دانش حقوقی و دیجیتال دعوت می‌کند و سیاست‌گذاران را به مداخلات هدفمند برای کاهش ریسک‌های سیستمی ترغیب می‌نماید. اجرای این چارچوب می‌تواند به حفظ زنجیره‌های تجاری، افزایش صادرات غیرنفتی و تقویت تجارت خارجی کشور کمک کند و در بلندمدت، اقتصاد ایران را در برابر نااطمینانی‌های ژئوپلیتیکی مقاوم‌تر سازد.

۸. بررسی بازار ارز و پیشنهاد های اصلاحی



نرخ ارز در ایران همواره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تصمیم‌گیری فعالان اقتصادی بوده و نوسان‌های آن پیامدهایی برای تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری داشته است. تغییرات نرخ ارز بر هزینه‌های تولید اثر می‌گذارد و مسیر صادرات و واردات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

این گزارش با تمرکز بر تحولات اخیر بازار ارز ایران به بررسی عوامل و روندهایی می‌پردازد که منجر به جهش نرخ ارز در سال ۱۴۰۴ شده‌اند. برای این منظور تحولات بازار ارز مرور شده و نقش متغیرهایی مانند قدرت خرید صادراتی، رابطه مبادله درآمدی، تراز تجاری غیرنفتی و جریان‌های ارزی در شکل‌گیری شرایط کنونی بازار ارز مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین ساختار نظام ارزی کشور، پیامدهای چندنرخ بودن ارز و تجربه سیاست‌های تثبیت نرخ اسمی ارز در سال‌های گذشته تحلیل شده‌اند. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهد که سیاست تثبیت دستوری نرخ اسمی ارز در مهار تورم موفق نبوده و زمینه‌ساز ایجاد رانت، شکل‌گیری صف‌های طولانی تخصیص ارز و رسوب کالا در گمرک شده است.

بر اساس یافته‌های این گزارش، پیشنهاد می‌شود سیاست ارزی کشور از رویکرد تثبیت دستوری نرخ اسمی فاصله گرفته و به سمت مدیریت نرخ حقیقی ارز حرکت کند. همچنین طراحی و اجرای ابزارهایی مانند «اوراق مهلت ارزی» می‌تواند به افزایش کارایی بازار ارز کمک کند. این اوراق امکان معامله بین تجار را فراهم کرده و به صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات را زودتر از موعد بازمی‌گردانند، اجازه می‌دهد مهلت خود را در بازاری رقابتی به سایر فعالان اقتصادی واگذار کنند. همچنین توصیه می‌شود بازار خرید و فروش کوتاژ صادراتی به رسمیت شناخته شود تا فرآیندهای مرتبط با پیمان‌سپاری ارزی با هدف تسهیل صادرات غیرنفتی و افزایش شفافیت در بازار ارز، بهبود یابد.

۹. نقش توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در تقویت امنیت غذایی کشورها



این گزارش به صورت داده‌محور به پیوند حیاتی میان امنیت غذایی و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تحول انرژی می‌تواند یکی از مؤثرترین مسیرها برای تاب‌آوری سیستم‌های کشاورزی-غذایی باشد. در بخش نخست، با تحلیل شواهد کمی و کیفی، وضعیت موجود امنیت غذایی و سهم فزاینده انرژی‌های تجدیدپذیر در مناطق مختلف بررسی شده و نشان داده می‌شود که ناپایداری عرضه انرژی و نوسانات قیمت سوخت‌های فسیلی چگونه زنجیره‌های تولید، فرآوری و توزیع غذا را تحت فشار قرار می‌دهد.

سپس نقش انرژی در تمام مراحل سیستم غذایی از تولید و آبیاری تا فرآوری، نگهداری و حمل‌ونقل تحلیل می‌شود تا نشان داده شود که وابستگی ساختاری این سیستم‌ها به انرژی‌های پرهزینه و آلاینده، مانعی عمده برای پایداری غذایی است. در ادامه، ضرورت گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر با تأکید بر چهار محور کلیدی شامل: بهبود دسترسی انرژی در مناطق محروم، کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، کاهش هزینه‌ها و تلفات پس از برداشت، و کاهش آثار زیست‌محیطی بررسی می‌شود.

بخش بعدی به صورت جامع نقش فناوری‌های تجدیدپذیر را در ارتقای زنجیره‌های ارزش کشاورزی و افزایش بهره‌وری، درآمد و کیفیت محصولات تشریح می‌کند. سپس چالش‌های فنی، نهادی، مالی، جنسیتی و اطلاعاتی که مانع گسترش این فناوری‌ها در مقیاس وسیع می‌شوند، تحلیل می‌گردد. در نهایت، گزارش با ارائه مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاستی برای تصمیم‌گیرندگان به پایان می‌رسد. این توصیه‌ها مسیر عملی برای توسعه سیستم‌های غذایی پایدار، تاب‌آور و کم‌کربن ترسیم می‌کنند.

۱۰. تحلیل رفتار مشتری در بازار صنایع غذایی ایران و فرصت‌های بهبود کسب و کار



بازار صنایع غذایی ایران یکی از بزرگ‌ترین و راهبردی‌ترین بخش‌های اقتصادی کشور است که نه تنها بر امنیت غذایی و سلامت جامعه تأثیر دارد، بلکه نقش مهمی در رفاه خانوار و ثبات اجتماعی ایفا می‌کند. رفتار مصرف‌کننده در این بازار تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیت‌شناختی و فناورانه است. در سال‌های اخیر، تورم مزمن و نوسانات قیمت مواد اولیه باعث کاهش قدرت خرید خانوارها شده و گرایش به کالاهای ارزان‌تر، بسته‌بندی‌های کوچک و جایگزین‌های اقتصادی افزایش یافته است. کاهش اندازه خانوارها به میانگین ۳.۱ نفر، رشد جمعیت شهری به ۷۷ درصد و افزایش تعداد خانوارها به حدود ۲۸ میلیون (مرکز ملی آمار، ۱۴۰۴) موجب افزایش تقاضا برای غذاهای آماده، نیمه‌آماده و بسته‌بندی‌های کوچک شده است. طبقه اقتصادی-اجتماعی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ خانوارهای متوسط به محصولات فرآوری‌شده و سلامت‌محور تمایل بیشتری دارند، در حالی که خانوارهای کم‌درآمد به کالاهای ارزان و سنتی گرایش دارند. همچنین عوامل فرهنگی و سبک زندگی مانند دیجیتال‌شدن خرید، رشد پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، تصمیم‌گیری مصرف‌کننده را شفاف، داده‌محور و ارزش‌محور کرده است. همزمان، افزایش سواد تغذیه‌ای و گرایش به سلامت موجب رشد بازار محصولات کم‌چرب، پروبیوتیک، ارگانیک و نوشیدنی‌های گیاهی شده است. مصرف‌کنندگان اما همچنان به حفظ غذاهای سنتی و پذیرش نوآوری‌های مدرن علاقه‌مند هستند و این وضعیت بازار چندلایه، فرصت‌های قابل توجهی را برای تولیدکنندگان فراهم می‌کند. در این شرایط چندوجهی و در کنار عوامل زمینه‌ساز ناپایداری در بازار (مانند پیامدهای تحریم و بی‌ثباتی اقتصادی)، موفقیت شرکت‌ها در بازار صنایع غذایی ایران نیازمند اتخاذ استراتژی‌های ترکیبی و متنوع است: توسعه محصولات سلامت‌محور و ارگانیک، بسته‌بندی‌های مناسب و کوچک، نوآوری در طعم و فرمولاسیون، بازاریابی دیجیتال و شفافیت اطلاعات غذایی از مهمترین راهبردهای توفیق شرکت‌ها است و در عین حال، دولت می‌تواند با سیاست‌های حمایتی و تنظیم‌گری هوشمند، از جمله تضمین ثبات قیمت مواد اولیه، حمایت از زنجیره تأمین، تسهیل فروش آنلاین و ارتقای استانداردهای کیفیت و سلامت، شرایط را برای رشد پایدار این بازار فراهم کند. به طور کلی، هماهنگی بین راهبردهای شرکت‌ها و سیاست‌گذاری دولت، همراه با درک تغییرات سبک زندگی، فشارهای اقتصادی و تحولات فناوری، کلید توسعه پایدار و افزایش سهم بازار و وفاداری مصرف‌کننده در صنایع غذایی ایران است.



معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران